

چاپ اول: مجله حوزه شماره ۴۲

Ketabton.com



حجاب شرعی

حجاب شرعی

در بیست و چهارمین سوره قرآن، قسمی از آداب اجتماعی اسلام، مطرح شده است. این سوره، به نام سوره «نور» خوانده می‌شود. در آغاز این سوره می‌خوانیم: «ما این سوره قرآن را نازل کردیم و اجرای آن را بر همگان حتم و لازم نمودیم. در این سوره، آیات روشنی نازل کردیم، باشد که شما خود، احکام آن را دریابید. از جمله این احکام، مسأله حجاب است: در آیه ۳۰، حجاب مردان و در آیه ۳۱، حجاب بانوان، مشخص شده است.

إزار برای مردان

آیه سی‌ام، که حجاب مردان را مشخص می‌کند، از این قرار است:
«قُلْ لِلّمُؤْمِنِينَ يَغْضُبُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَخْفَظُوا فُرُوجَهُمْ، ذَلِكَ أَزْكِنَ لَهُمْ إِنَّ اللّهَ خَيْرٌ بِمَا يَضْعِفُونَ».

معنی: «ای رسول ما! به مردان مؤمن، بگو: چشم خود را فرو بخواباند و از چاک دامن خود نیز مراقبت به عمل آورند. این شیوه، به پاکی جان آنان نزدیکتر است. به یقین، خداوند به کارهایی که صورت می‌دهید، آگاه و باخبر است». در این آیه و آیه بعدی، دو نوبت، کلمه «فرج» به کار رفته است:

در همه موارد «فرج» را به معنای «چاک دامن» ترجمه کردیم. در لغت اصیل عرب غیر از مفهوم چاک و شکاف، معنای دیگری برای این کلمه یاد نشده است. در معاجم، لغت و فرهنگنامه‌ها نوشته‌اند که «فروج» به معنای قبای چاکدار است.

امام ابوعبدالله صادق «ع» می‌گوید:
«اگر کسی شلوار نپوشد و تنها یک پیراهن ضخیم بپوشد و یا قبائی بپوشد که فرج آن کوتاه باشد. (یعنی چاک آن تا کمر نرسد) می‌تواند نماز بخواند»^(۱). علت آن که قرآن مجید می‌فرماید:
«مراقب چاک لباس خود باشید».

آن است که در عهد نزول قرآن، مردم: خصوصاً مردم جزیره‌العرب، دو - سه متر پارچه نادوخته را مانند لنگ حمام به کمر می‌بستند تا عورت خود را ستر کنند. نام این قطعه لباس، در زبان عرب «ازار» (بر وزن کتاب) است. در زبان عامیانه فارسی به آن «بسن» می‌گویند و در زبان ادبی به آن «فوطه» می‌گویند. موقعی که این فوطه را به کمر بیندیم، دو طرف آن بر روی هم قرار خواهد گرفت و مانند دامن زنانه، ساتر خواهد بود، ولی به هنگام راه رفتن و نشستن و برخاستن و خم و راست شدن، چاک آن باز می‌شود و احياناً، عورت آدمی مکشوف می‌گردد؛ از این روی قرآن مجید می‌فرماید:
«مراقب چاک دامن خود باشید که باز نماند و اگر چاک دامن دیگران باز بود، از نظر دوختن به عورت آنان خودداری کنید و چشم خود را فرو بخوابانید»^(۲).

در این قسمت آیه، صنعت ادبی «احتباک» به کار رفته است. احتباک، یعنی قرینه‌بندی متقابل که صدر و ذیل سخن، یکدیگر را در آغوش بگیرند و کامل کنند هم باشند. این شیوه از ابداعات قرآن مجید است و در آیات فراوانی به کار رفته است. از جمله در سوره مؤمن آیه ۶۱ که می‌گوید:
«جَعْلَ لِكُمُ اللَّيْلَ لِشَكُونَ فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبَصِّرًا».

بعنی: «خداآوند، شب را آفرید تا آرامش بیاید و روز را روشن آفرید».
چنانکه ملاحظه می‌شود، ظاهراً، صدر و ذیل کلام ناتمام است، ولی با توجه به
قرینه‌بندی متقابل، عبارت به این صورت تکمیل می‌گردد:
«خداآوند، شب را تاریک آفرید تا آرامش بگیرید و روز را روشن آفرید تا برای
تلاش معاش برجیزید».

آیه مورد بحث هم به این صورت کامل می‌شود:
«ای پیامدار حق! به مردان مؤمن بگو: چشم خود را از چاک دامن دیگران، فرو
بخوابانند و مراقب چاک دامن خود نیز باشند که از معرض دید دیگران محفوظ نگه
دارند».

امام ابوعبدالله صادق، علیه السلام، در ذیل این آیه به صراحة اعلام کرده است که:
«در قرآن مجید، هر جا سخن از حفظ «فرج» به میان آمده باشد، منظور خداوند،
عفت و پاکدامنی و ترک فحشاء است. به جز آیه مزبور که منظور الهی رعایت حجاب و
دامن از نظاره دیگران می‌باشد؛ لذا بر هیچ مرد مؤمنی روا نیست که در چاک دامن
مؤمن دیگر، نظر بدو زد و بر هیچ بانوی مؤمنی روانیست که در چاک دامن یک بانوی
مؤمن نظر بدو زد و عورت او را دید بزند»^(۳).

از مفسرین صدر اول، ابن زید و ابوالعلیه نیز، آیه را به همین صورت، تفسیر
کرده‌اند^(۴).

در قرآن مجید، دو آیه دیگر وجود دارد که سخن از حفظ فرج به میان آورده است
و منظور آیه، عفت و پاکدامنی است. متن آیه به این صورت، در دو سوره تکرار شده
است:

«وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكُتَ أَيْمَانَهُمْ»^(۵).

يعنی: «آنان که نگهبان چاک دامن خود باشند، چندر برابر همسران خود یا کنیزان
خود که نکوهشی بر آنان نخواهد بود».

در این دو آیه، نامبردن همسران و کنیزان، قرینه است بر این که موضوع آیه، عفت و پاکدامنی است؛ اگر چه، ضمناً، مسأله حجاب را هم مطرح کرده است و ایجاب می‌کند جز در برابر همسران و کنیزان شخصی، نباید دامن خود را فرو هشتم.

باید توجه داشت که از عهد نزول قرآن، کلمه «فرج» در معنای عورت و آلات تناسلی شهرت یافته است؛ ولی چون در ریشه لغت عرب، به معنای چاک و شکاف است، قهرآ، در معنای عرفی آن، که عورت باشد، به صورت کنایه و مجاز استعمال شده است؛ زیرا باز شدن چاک دامن، باعث می‌شود که عورت، مکشوف شود و حفظ دامن، باعث می‌شود که عورت مستور بماند.

این کنایه و مجاز، بعد از نزول آیات مذبور و دستور حفظ فرج (خواه به معنای عفت و پاکدامنی و خواه به معنای ستر عورت) رفته‌رفته شهرت یافته است؛ لذا آیات مذبور، به معنای اصلی کلمه حمل می‌شود، نه به معنای جدید الولاده‌ای که از خود قرآن، نشأت گرفته است.

در هر حال، حجاب ضروری مردان، با همین یک قطعه لباس ساده، به نام فوطه و ازار کامل می‌شود؛ لذا باید گفت که: مؤمنان، باید از ناف تا زانو را مستور بدارند، جز این که سنت رسول الله، که براساس تقوای دینی تأسیس شده است، دستور می‌دهد که دامن فوطه را تا نیمة ساق پا، بلند بگیرند تا در هنگام خم و راست شدن، قسمت بالای زانو، مکشوف نگردد.

ضمناً، باید متذکر شوم که: این حکم ویژه مؤمنان است و گرنه قرآن مجید، درباره بنی آدم، فقط ایجاب می‌کند که شرمگاه خود را نهان بدارند. (توضیح این مطلب، به صورت خلاصه، در بحث بعدی خواهد آمد.)

رداء. بالاپوش برای مردان:

قرآن مجید، در سوره اعراف، آیه ۲۶، خطاب به فرزندان آدم می‌فرماید:

«بِنَاتِنِيْ أَدَمْ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سُوَءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَالِكَ خَيْرٌ».

معنی: «ای فرزندان آدم! به یقین ما برای اندام شما، جامه‌ای نازل کردیم که شرمگاهاتان را پنهان سازد و جامه دیگری تا پر و بالی باشد برای بازوها و شانه‌های عربیانتان. این دو جامه، تن و اندام شما را می‌پوشاند و جامه تقوا، بهتر است که شما را از پلیدیهای فحشاء محفوظ نگه می‌دارد».

جامه اول، همان ازار است که به کمر می‌بندند و حداقل شرمگاه خود را پنهان می‌کنند و اگر جامه‌ای عریض باشد، از ناف تا زانو و یا از ناف تا ساق را می‌پوشاند.

جامه دوم، رداء و بالاپوش تأمیده می‌شود که مانند پر و بال پرندگان، زینت شانه‌ها و بازوهای عربیان آدمی است و اگر عریض‌تر باشد، پهلوها و شکم را نیز خواهد پوشاند.

در این آیه، چنانکه ملاحظه شد، خطاب به فرزندان آدم است که:

«ای فرزندان آدم! گرچه شما به قرآن و رسالت رسول ما، ایمان نیاورده باشید، شایسته آن است که توصیه ما را از نظر انسانی پذیرید. مبادا لخت و عور، در برابر اجنبی ظاهر شوید که این کردار شما، فاحشه، یعنی: رسواترین رسوایی است و حتی المقدور جامه دیگری بر دوش خود حمایل کنید که دست و بال شما، همچون پر و بال پرندگان، زینت بگیرد».

بیش از این، بحث رداء را دنبال نمی‌کیم. فقط خاطرنشان می‌سازیم که با الهام از همین آیات و بالاخص، الهام از آیه ۳۱ همین سوره اعراف که بحث آن را نیاوردیم، رسول خدا به دو قطعه لباس ساده نادوخته اکتفا می‌کرد:

«كَانَ عَلَيْهِ (ص) إِزارٌ وَرِداءٌ».

قطعه اول، ازار که مانند لنگ حمام، از ناف تا نیمة ساق را می‌پوشاند.

قطعه دوم، رداء که بر دوشها حمایل نموده، دو طرف آن را بر دوش چپ مستقر می‌نمود.

این لباس رسمی اسلام و قرآن است که توصیه می‌شود و این همان سنت رسول الله است که پیروی آن در مراسم حج و عمره، ضروری است؛ نه یک قطعه بیشتر و نه یک قطعه کمتر.

ازار. دامن برای بانوان:

آیه ۳۱ سوره نور، که حجاب بانوان را مورد بحث قرار می‌دهد، می‌فرماید:
﴿وَقُلْ لِلّٰمُؤْمِنَاتِ يَغْضِضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَخْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾.

یعنی: «ای رسول! به بانوان مؤمن بگو: چشم خود را فرو بخوابانند و از چاک دامن خود، مراقبت نمایند».

این قسمت از آیه ۳۱ سوره نور، درست همانند آیه ۳۰ از سوره نور، همان تکلیفی را متوجه بانوان می‌سازد که متوجه مردان شده بود. صنعت «احتیاک» و قرینه‌بندی متقابل هم در این جا برقرار است و صورت کامل آیه چنین خواهد بود:

«ای رسول! به بانوان مؤمن بگو: چشم خود را از چاک دامن دیگران، فرو بخوابانند و از چاک دامن خود، مراقبت کنند که از دیگران، مستور بمانند».

البته، مراقبت بانوان از چاک «ازار» خود، با حساسیتی که نسبت به آن وجود دارد، موجب شده است که چاک ازار خود را بدوزند و به صورت دامن، بر تن بیارایند و سوالهاست که از این جهت، مشکلی ندارند. به خاطر همین حساسیت است که قرآن مجید، تبصره‌ای به حکم مزبور، اضافه کرده و می‌فرماید:

﴿وَلَا يُبَدِّلَنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾.

یعنی: «زینتی را که در زیر دامن نهان می‌شود، آشکار نسازند، جز آن که در حال راه رفتن و خم و راست شدن، به خودی خود، ظاهر شود».

زینتی که در زیر دامن و پا ازار خانمها، نهان می‌شود و امکان آشکار شدن آن وجود دارد. ساق پاهاست که عنوان عورت ندارد تا کشف آن، حرام باشد؛ ولی چون زینت خانمها محسوب می‌شود، در برابر اجنبی، باید مستور بماند. از این روی، خانمها باید در کوچه و بازار، دامن خود را تا روی پا بلند بگیرند و برآسام استثنای که دارد، اگر در حال راه رفتن و یا خم و راست شدن، قسمتی از ساق پا، مکشوف شود، اشکالی نخواهد داشت. (در این زمینه، باز هم ملاحظاتی به عرض خوانندگان خواهد رسید).

چمار. شنل برای بانوان:

قرآن مجید، در ادامه بحث خود راجع به حجاب بانوان می‌فرماید:

«وَلِيَضْرِبَنَّ بِخُمُرٍ هُنَّ عَلَى جِبْرِيلٍ».

یعنی: «بانوان، باید خمار خود را زیر گلو گره بزنند».

خمار هم مانند ازار و رداء، یک قطعه جامه نادوخته است که در صدر اسلام، پوشیدن آن، متداول بوده است: ازار، برای زن و مرد. رداء برای مردان که بر دوش و پهلو، بپیچند. خمار برای زن که بر سر بیندازد و سرو سینه و پهلو را بپوشاند و تنها دست و صورت او مکشوف بماند.

چنانکه ملاحظه می‌شود، باز هم قرآن مجید، طرح نوی برای ستربدن ارائه نمی‌دهد و دستور دوخت و برش، صادر نمی‌کند، بلکه تنها ملاحظاتی بر آن می‌افزاید تا آرمان خود را توصیه و تأمین کند.

قرآن مجید، فرمان می‌دهد که: «خانمها خمار خود را بر سر و بر خود تپیچند که هنگام راه رفتن و حرکت دادن دستها، بلغزد و باز شود، بلکه مانند شنل، بر سر بیندازند و زیر گلو، گره بزنند، یا کوک بزنند و یا سنجاق بزنند تا در هنگام حرکت دستها، خمارشان روی شانه‌ها نلغزد و سر و پر آنان مکشوف نگردد».

با پوشیدن خمار و پاشنل، که تا روی دامن بیاید، طبیعی است که دستها تا نیمه

ساعده از زیر آن خارج خواهد ماند و فقط قسمت بالای ساعده که گوشتهاین است، مانند ساق پا، مستور می‌شود؛ ولی همان تقوایی که در باب ازار و دامن ایجاد می‌کرد تا آن را بلندتر تهیه نمایند که در حال خم و راست شدن، بالا نجهد و ساق گوشتهاین زن، عربان نشود، در این جا هم ایجاد می‌کند که خمار و شنل، چندان بلند و عریض باشد که در حال خم و راست شدن، فاصله شنل با دامن، مکشوف نگردد و بالای ناف و به موازات آن، پهلو و پشت، عربان نشود که در این صورت، ساعده دستها، تا حدود معنیز، در زیر خمار و شنل، مستور خواهد گشت. باز براساس استثنایی که دارد، اگر در حال حرکت دادن دستها قدری بالا برود و تا نیمه ساعده عربان شود، اشکالی نخواهد داشت.

ضمناً، همانطور که در باب ازار و رداء (لباس رسمی مردان) گفتیم، این دو قطعه لباس هم، که ازار و خمار باشد، لباس رسمی بانوان است که قرآن توصیه می‌کند و پوشیدن آن در مهمانی رسمی حج و عمره، ضرور خواهد بود؛ نه یک قطعه ییشتر و نه یک قطعه کمتر. از این روی، زنان از پوشیدن ساتر دیگری، چون: دستکش و آویختن نقاب، در حال احرام، متع شده‌اند.

سعید بن جبیر می‌گوید:

«قرآن مجید که می‌فرماید: «بانوان باید خمار خود را زیر گلو، گره بزنند» برای آن است که سینه آنان آشکار نشود»^(۶)

سماعة بن مهران می‌گوید:

«به ابوعبدالله امام صادق، علیه السلام، گفت: خانمها می‌توانند بر چهره خود نقابی بزنند و نماز بخوانند؟

ابو عبد الله گفت: اگر پیشانی را باز بگذارند، مانعی نیست ولی اگر تمام چهره خود را بگشایند بهتر است»^(۷).

قتاده می‌گوید: از رسول خدا حدیث آمده است که فرمود:

«هیچ خانمی که خدا و روز جزا را باور کرده است، حق ندارد دست خود را از زیر

خمار خود بیرون بیاورد، مگر تا این جا، با دست خود به نیمه ساعد اشاره کرد»^(۸).
امام صادق «ع» فرمود:

«بانوئی که لباس احرام می‌پوشد از هر نوع پارچه‌ای می‌تواند استفاده کند، چنان‌چهار
خالص که نباید ازار و خمار او ابریشمی باشد و غیر از دستکش که نباید بر دست کنند».
ابو عبدالله صادق از پوشیدن نقاب هم که بر روی صورت بیاویزند، اظهار کراحت
کرد و فرمود:

«خانمهای فقط می‌توانند پارچه‌ای بر روی پیشانی بیاویزند که تا روی چشمها
باید»^(۹).

امام ابو عبدالله صادق، علیه السلام، نقل کرد که:
«پدرم ابو جعفر باقر، علیه السلام، از پوشیدن نقاب و دستکش برای خانمهایی که در
حال احرام باشند، کراحت داشت»^(۱۰).

البته در حال عادی پوشیدن این لباس رسمی ضرورت ندارد.
در زمان رسول خدا و در عهد امامان نیز، بانوان اسلامی از لباسهای دوخته استفاده
می‌کردند و پیراهن و بلوز و دامن و شنل می‌پوشیدند و گاهی شنل را روی دوشها
می‌انداختند و سر خود را با مقنعه می‌پوشیدند.

باری، بحث حجاب ضروری بانوان در اینجا خاتمه می‌یابد، ولی همانطور که
قرآن مجید در قسمت «ازار» بانوان، تبصره‌ای بر آن افزود، در باب خمار هم تبصره‌ای
دارد که تکلیف بانوان را در برابر محارم و غیر محارم روشن می‌سازد. تبصره به این
صورت است:

«وَلَا يُبَدِّيَنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِعُولَتَهُنَّ أَوْ أَبَاءِ بَعْوَلَتَهُنَّ أَوْ أَبْنَاءَ
بَعْوَلَتَهُنَّ أَوْ إِخْوَانَهُنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانَهُنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَاتَهُنَّ أَوْ نَسَانَهُنَّ أَوْ
الْتَّابِعَيْنَ غَيْرَ أُولَئِكَ الْأَرْبَعَةِ مِنَ الرِّجَالِ وَالطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهِرُوا عَلَى عُورَاتِ
النِّسَاءِ»^(۱۱).

یعنی: «خانمهای که خمار خود را زیر گلو، گره می‌زنند، حق ندارند ساعده خود را و یا زلف و گیسوی خود را، که زینت خدایی آنان به شمار می‌آید، از زیر خمار آشکار نمایند، جز در برابر: شوهران خود، یا پدران خود، یا پسران شوهران خود، یا پسران خود، یا پسران شوهران خود، یا برادران خود، یا پسران برادر خود، یا پسران خواهر خود، یا خانمهای فامیل خودشان، یا غلامان زرخریدشان، یا ملازمانی که شهوت مردی ندارند و یا آن کودکانی که از مسائل جنسی بی خبرند».

در این تبصره، دوازده طبقه استثناء شده‌اند که خانمهای می‌توانند در برابر آنان، سر و ساعده خود را عربان نمایند و تنها با یک پیراهن دامن بلند و یا بلوز و دامن و یا شنل و دامن (بدون روسری و یا کلاه) ظاهر شوند. قهری است که استثناء باید در همین دوازده طبقه منحصر باشد؛ زیرا متن آیه شریفه با استقصای کامل، همه جوانب استثناء را در نظر گرفته و جائی برای استثنای عرفی باقی نگذارد است. اگر استثنای عرفی، مأخذ و ملاک می‌بود، آیه مزبور، شوهران و زنان فامیل و کودکان و خواجه‌گان را نام نمی‌برد و به نظر عرف و اجتماع، حوالت می‌کرد.

بنابراین، نوکر، راننده، همکلاس، همدرس، برادر شوهر، شوهر خواهر و امثال آنان، جداً بیگانه و اجنبی، محسوب می‌شوند و پوشیدن هوی سر در برابر آنان، ضرور و واجب خواهد بود.

نکته شایان تذکر آن است که پوشیدن موی سر، با هر وسیله‌ای که باشد، به عفت جنسی ربطی ندارد، بلکه یک تشریف اسلامی است تا خانمهای آزاده مؤمن از زنان پهود و نصاری و مجومن، ممتاز باشند و لذا می‌بینیم که حتی کنیزان مسلمان از پوشیدن موی سر، معاف، بلکه ممنوع بوده‌اند.

* اسحاق بن عمّار می‌گوید:

«به ابوالحسن امام کاظم، علیه السلام، گفت: غلام زرخرید خاتم، حق دارد به گیسوی خانم خود نگاه کند؟

ابوالحسن گفت: آری و به ساق پایش هم می‌تواند نگاه کند» (۱۲).

﴿عبدالرحمن بن ابی عبدالله می‌گوید:

«از امام صادق، علیه السلام، پرسیدم:

غلام زرخریدی که متعلق به خانم باشد، می‌تواند به گیسوی خانم خود و ساق
پاهاش بنگرد؟

ابوعبدالله گفت: اشکالی ندارد» (۱۳).

﴿محمدبن اسماعیل بن بزیع می‌گوید:

«از ابوالحسن الرضا، علیه السلام، پرسیدم:

خانمهای آزاده، گیسوی خود را باید در برابر خواجگان، که شهوت مردی ندارند،
پوشند؟

ابوالحسن گفت: خواجگان، به حیاط اندرونی پدرم آمد و شد می‌گردند و خواهرانم،
مقننه بر سر نمی‌گردند.

گفتم: خواجگان آزاد بودند یا بردند؟

ابوالحسن گفت: نه، بردند زرخرید بودند.

گفتم: اگر زرخرید نباشند و استخدام شده باشند، خانمهای باید در برابر آنان مقننه بر
سر کنند؟

ابوالحسن گفت: نه» (۱۴).

امام ابوجعفر باقر «ع» گفت:

«بانوی مسلمان، می‌تواند عوض خمار، با یک بلوز و یک مقننه نماز بخواند،
موقعی که بلوز او ضخیم باشد» (۱۵).

امام ابوجعفر باقر «ع» گفت:

«کنیزان زرخرید، لازم نیست که مقننه بر سر کنند» (۱۶).

در این زمینه، نصوص شرعی فراوان است. در همه موارد، سؤال و جواب از

زینتهاي طبیعی بانوان است که ساق پا و ساعد دست و زلف و گیسو باشد. نه خلخال و گردنبند و گوشواره و امثال آن و یا سرخاب و سورمه و سفیدآب و نظائر آن که سایر مفسرین متعرض شده‌اند. علاوه بر این، در فرهنگ قرآن مجید، هماره، کلمه «زینت» در مورد زینتهاي طبیعی به کار رفته است و از زیورآلات زنانه در قرآن مجید، به نام «حلیه» یاد می‌شود که مانند لباس، جنبه عاریتی دارد. بنابراین در آیه حجاب هم که سه نوبت کلمه «زینت» بانوان مطرح شده است، به تأیید احادیث اهل‌بیت، همان زینتهاي طبیعی خدائی است که در ترجمه و تفسیر آن متذکر شدیم و آن دسته از مفسرین اسلامی، که پای زیورآلات عاریتی را در ترجمه و تفسیر آیه به میان آورده‌اند، در اثر همین غفلت، مشکلات ادبی لاینحلى به جا گذاشده‌اند. حتی کسانی که گفته‌اند:

«به حکم آیه شریقه، آشکارا ساختن آن اندامی حرام است که با زیورآلات زنانه نزئین می‌شوند نه خود زیورآلات».

دچار مشکلات دیگری شده‌اند که اینک جای بحث آن نیست.

در هر حال، قرآن مجید در مورد «إزار» بانوان، تبصره‌ای داشت، پدین شرح:

۱. باید زینت ساق پا مستور بماند، جز در موقع راه رفتن.

۲. درباره خمار بانوان بود که تکلیف ساعد و زلف و گیسو را در برابر اجائب و محارم روشن کرد.

و در آخرین فصل آیه، تبصره دیگری دارد که درباره خمار، و إزار، هر دو، صادر شده است و احتیاط بیشتر را ایجاد می‌کند.

«وَلَا يَضْرِبْنَ بَأْرَجُلِهِنَّ لِيُغَلِّمَ مَا يَخْفِيَنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ».

یعنی: «میاد که بانوان، پای خود را محکم به زمین بکویند تا زینت پنهان شده را آشکار نمایند».

زینتی که در تبصره اول، پنهان کردن آن لازم شد، ساق پا بود و زینتی که در تبصره دوم، پنهان کردن آن لازم شد، ساعد و زلف و گیسو بود. تبصره سوم، دستور می‌دهد که

خانمها نباید با دویدن و ورزش کردن و پایکوبی، ساق پا را که در حال عادی زیر دامن نهان است، آشکار نمایند و یا در اثر جست و خیز، ساعد خود را تا آرنج از زیر شنل و خمار بیرون کنند و یا زلف و گیسوی خود را از زیر مقنعه و کلاه و کتاره صورت بر ملا نمایند، مگر آن که با پوشیدن جوراب و شلوار و کلاه، احتیاط لازم را به عمل آورند و سپس به ورزش بپردازنند.

نگارنده این سطور که در همه جا، زینت بانوان را زینت طبیعی می‌داند، «یغلم» را در متن آیه، فعل مجھول، از باب افعال می‌داند که معنای «اعلان و افشاء و بر ملا کردن» می‌دهد. کسانی که زینت را به زیورآلات زنانه تفسیر کرده‌اند، کلمه «یعلم» را فعل مجھول ثلاثی گرفته‌اند؛ از این روی در ترجمه و تفسیر آیه می‌نویسنده: «(بانوان، پای خود را بر زمین نکوبند که معلوم شود حلقه و خلخال به پا دارند!) گویا اگر معلوم شود که خانم، حلقه و خلخال به پا دارد (گرچه از راه پایکوبی خاتم نباشد، بلکه مردم با چشم خود، آن را ببینند)» گناهی اتفاق افتاده است.

در خاتمه این فصل، متذکر می‌شوم که براساس این ترجمه و تفسیری که بیان کردیم، پوشیدن تمام بدن از بالای قفسه سینه تا نیمة ساق پا، بر بانوان لازم است، حتی در برابر پدر و برادر تا چه رسد به سایرین.

خانمها فقط می‌توانند در برابر شوهران خود، «ازار» و «خمار» خود را بردارند و استثنای آن، در آیه ۱۸۷ سوره بقره، عنوان صریح دارد که می‌فرماید:

«هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ».

و هم در آیه ۵ سوره مؤمنون و آیه ۳۰ سوره معارج که توضیح و ترجمه آن گذشت.

سادات و بانوان شوهردار:

در سوره احزاب آیه ۵۹، دستور ویژه‌ای هم برای خانمهای سادات و بانوان شوهردار، صادر شده است:

«نَا أَئِبْهَا التَّبَيْعُ قُلْ لَا زَوْاجٌ كَوْبَاتٍ وَنِسَاءُ الْمُؤْمِنِينَ يُذْكَرْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ
ذَلِكَ أَذْنِي أَنْ يُعْرَفُنَ فَلَا يُؤْذِنُنَ».

معنی: «ای پیامبر! به همسران و دختران و خانمهای مؤمنین، بگو: جامه عریضی بر تن بیارایند. این جامه، بهترین وسیله‌ای است که می‌تواند مایه امتیاز و شناخت آنان باشد که مورد آزار و تعریض قرار نگیرند».

کلمه نساء در این آیه، به معنی خانمهای شوهردار است.

جلباب، پارچه‌ای است که از نظر طول و عرض، به ملافه و شمد، مشاهت دارد. بر اثر جمود و پافشاری برخی در اجرای همین حکم، چادرش لحاف را بر تن خانمها کردند!

حکم این آیه شریقه، سه دسته از خانمهای را شامل شده است:

۱. همسران رسول خدا که اینک وجود خارجی ندارند.

۲. دختران پیامبر که همه خانمهای سادات را فرا می‌گیرند.

۳. بانوان شوهردار.

این سه گروه باید با پوشیدن یک جامه گشاد و بلند، شخصیت والای خود را به چامعه اعلام کنند. تا مبادا بی خردان، با آنان تماس بگیرند و بگویند که: «آرزوی همیزی دارند».

این مقاله، در مورد زنان شوهردار، واضح و روشن است. فقط در مورد خانمهای

سادات. در صورتی که شوهر نداشته باشدند. نیاز به توضیح دارد. گرچه در زمان حاضر. دنبال کردن بحث آن. موضوعیت ندارد.

موضوع حکم از این قرار است که با نزول آیه ۶ از سوره احزاب که گفت:

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أَمْهَاتُهُمْ وَأَوْلُوا الْأَرْحَامِ بِعَضُّهُمْ أَوْلَىٰ
بِعَضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ... كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مُتَطْوِرًا».

معنی: «رسول خدا، از خود مؤمنان به مؤمنان. واپیشتر است و همسران رسول خدا، مادران مؤمناند و خویشان رسول خدا، با هم موالات و بیزمای دارند و نسبت به هم واپیشترند از مؤمنان و مهاجران... این حکمی است که در کتاب خدا ثبت است».

در نتیجه، بعد از عهد امامان، معمول و متداول شد که برای سادات، نفیبی معین شود تا مولا و سوپرست همه آنان باشد و از جمله هیچ کس از سادات، چه زن و چه مرد، بی اجازه او، ازدواج نکند؛ از این روی، تماس گرفتن با دختران و زنان بیوه سادات، مجاز و مشروع نخواهد بود، جز با اجازه نقیب آنان. لذا باید شعار خانمهای شوهردار مؤمن را بر تن بیارایند تا با شناخت آنان، کسی به منظور آشنایی بیشتر و انتخاب همسر، تماس شخصی برقرار نسازد.

در هر حال، بدیهی و روشن است و لفظ آیه کریمه نیز، صراحة دارد که این لباس، جنبه تشریفاتی دارد، نه حجاب شرعی؛ لذا مانع نخواهد داشت که در تابستان، از تور نازک و یا حریر و ابریشم انتخاب شود و روی شانه‌ها قرار بگیرد تا ایجاد گرما نکند و در زمستان، از فاستونی و پرک و محمل تهیه شود تا هم دافع سرما باشد و هم مایه شوکت و جلال. اگر این پارچه را به صورت شنل، متداول کنند و یا مانند رومیها و هندیها بر دوش خود حمایل کنند، با تکلیف شرعی آن منافاتی نخواهد داشت.

با توجه به همین نکته که پوشیدن این لباس، جنبه تشریفاتی دارد و به منظور دور داشتن اجتبی از تماس با آنان، صادر شده است، قرآن مجید، در سوره نور آیه ۶۰ می‌فرماید:

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضْعَفْنَ ثِيَابَهُنَّ
غَيْرَ مُشْبِرٍ حَاجَتِ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ حَيْثُرَلَهُنَّ﴾.

يعنى: «خانمهایی که از نظر جنسی بازنیسته‌اند و امیدواری ندارند که مورد توجه قرار بگیرند، مجازند که این جامه زائد را فرو نهند، در صورتی که با هیچ زینتی خود را مزین نکرده باشند. در عین حال، اگر عفت اختیار کنند و با جامه جلباب و شنل گشاد در انظار عمومی، ظاهر شوند، شایسته‌تر خواهد بود».

در این آیه، گرچه کلمه «ثیابهن» جمع است، ولی از نظر ادبی، در حکم مفرد است. یعنی هر خانمی از خانمهای شوهردار، می‌تواند یک جامه خود را کم کند و آن جامه‌ای که می‌تواند کم کند و بر زمین بگذارد، همین جامه جلباب است که به عنوان شعار بر تن می‌کرده است نه ازاری که عورت او را می‌پوشاند و نه خماری که سر و بر او را می‌پوشاند. ابو عبدالله صادق، عليه السلام، در ذیل این آیه کریمه که فرمود: «خانمهایی که از شوهر کردن ناامید شده‌اند، مانعی ندارد که یک جامه خود را بر زمین بگذارد».

گفت: منظور آیه کریمه آن است که جلباب خود را بر تن نکشند» (۱۷).

محمدبن مسلم می‌گوید از ابی جعفر باقر (ع) پرسیدم:
«خانمهایی که حق دارند یک جامه خود را کم کنند، کدام جامه را می‌توانند بر زمین بگذارند».

ابو جعفر گفت: همان جلباب و شنل گشاد» (۱۸).

یک نفر از پاران حضرت رضا (ع) به آن سرور نوشت:
«خانمهایی که از نظر جنسی متقادع شده‌اند و هرگاه به من برسند، می‌توانند سر و ساعد خود را آشکار و عربیان نمایند، چه کسانی هستند؟

آن سرور، در پاسخ او نوشت: یعنی آن خانمهایی که امیدی به شوهر ندارند» (۱۹).

در خاتمه مقاله، به عرض خوانندگان می‌رسانم که در میان متكلّمین و مفسرین، آیه ۵۳ از سوره احزاب، به نام آیه حجاب، شهرت یافته است. این آیه ربطی به حجاب خانمهای ندارد؛ زیرا ویژه همسران رسول خداست و به منظور خاص و ویژه‌ای نازل شده است بدین صورت:

﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَأَشْتَلوُهُنَّ مِنْ قَرَاءِ حِجَابٍ. ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقْلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ﴾.
يعنى: «هرگاه از خانمهای رسول خدا، کالایی و مداعی به عاریت بخواهید، از پشت پرده با آنان تماس بگیرید. این شیوه، بیشتر به پاکی دلهای شما و پاکی دلهای آنان کمک خواهد کرد».

بعد از تزول این آیه، همسران پیامبر «ص»، بر در خانه‌های خود پرده‌ای آویختند که اگر در را بر روی کسی باز کنند، باز هم حجابی در میان باشد. به خاطر کلمه «حجاب»، که در این آیه صریحاً ذکر شده است، نام آیه را آیه حجاب نهاده‌اند، ولی ربطی به سایر بانوان ندارد.

امه‌سلمه، همسر رسول خدا، می‌گوید:

«من خدمت رسول خدا، صلوات‌الله‌علیه، بودم، می‌مونه، زوجه دیگر رسول خدا، هم حاضر بود. این ام‌مکنوم، دائمی زاده حضرت خدیجه، وارد شد.

رسول خدا، فرمود: بروید و پشت پرده بشنینید.

ما گفتیم: یا رسول الله! مگر این مرد نایینا نیست؟

رسول خدا گفت: او ناییناست، ولی شما که نایینا نیستید؟

در این حدیث که رسول خدا به همسران خود می‌فرماید:

«پشت پرده قرار بگیرید».

علت آن است که آیه کریمه، وجود پرده را لازم می‌داند. پس این پرده باید میان طرفین، حایل باشد و هر دو را از دید هم دور نگه دارد. اگر کوری آن مرد، برای خودش پرده و حایل محسوب شود، برای بانوان رسول خدا، پرده و حایل محسوب نخواهد شد؛ از این روی، رسول خدا به آنان فرمود: «پشت پرده و حاجب قرار بگیرند، تا چشم آنان، به اندام و قوله نامحروم نیفتند».

ناگفته نماند که برخی این حدیث را درباره همه بانوان اسلامی، عمومیت می‌دهند، در حالی که اشتباه محض است و این حکم تشریيفی، مخصوص بانوان رسول خدا، بوده است.

پی نوشت ها

١. «کافی»، ج ١١٨/١؛ «صحیح الکافی»، تحقیق محمد باقر بهبودی، ج ٣/٣٩٢.
٢. «سورة نور»، آیه ٣٠.
٣. «کافی»، ج ٢/٣٣؛ «بحار الانوار»، ج ١٠٤/٣٣؛ «فقیہ من لا یحضره الفقیہ»، ج ١/١١٤؛ «وسائل الشیعہ»، ج ١/٢١١.
٤. «مجمع البیان»، طبرسی، ج ٨/١٣٨؛ «الدرالمتشور»، میوطی، ج ٥/٤٠.
٥. «سورة مؤمن»، آیه ٥؛ «سورة معارج»، آیه ٣٠.
٦. «الدرالمتشور»، ذیل آیه.
٧. «تهذیب»، شیخ طوسی، ج ٢/٢٣؛ «صحیح تهذیب»، حدیث ١٠٣٥.
٨. «تفسیر طبرسی»؛ «الدرالمتشور»، ذیل آیه.
٩. «صحیح الکافی»، حدیث ١٩٥١.
١٠. «صحیح من لا یحضره الفقیہ»، تحقیق محمد باقر بهبودی، حدیث ٥٦٣.
١١. سورة نور آیه ٣١.
١٢. «فقیہ من لا یحضره الفقیہ»، ج ٣/٤٦٩؛ «صحیح من لا یحضره الفقیہ» حدیث ١٣٠٥.
١٣. «صحیح الکافی»، حدیث ٣١٧٥.
١٤. «همان مدرک»، حدیث ٣١٧٩؛ «عيون اخبار الرضا»، ج ٢/١٩؛ «تهذیب»، طوسی، ج ٧/٤٨٠؛ «صحیح تهذیب»، حدیث ٣٣٣٨.
١٥. «صحیح الکافی»، حدیث ١١٨٢.
١٦. «همان مدرک»، حدیث ٣١٦٩ و ٣١٨٣.
١٧. «همان مدرک»، حدیث ٣١٦٥.
١٨. «همان مدرک»، حدیث ٣١٦٦.
١٩. «صحیح تهذیب»، حدیث ٣٣٢٧.
٢٠. «صحیح ترمذی»، ج ٤/١٩١، ط مدینه؛ «مسند ابن حنبل»، ج ٦/٢٩٦؛ «سنن أبي داود»، کتاب لباس، ج ٥/٣٤؛ «وسائل الشیعہ»، ج ١٤/١٧٢.

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library